

هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

نو- اصلاح طلبی؛ پروژه تمام عیار “حذف” مقاله ای از اسماعیل حسام مقدم

اسماعیل حسام مقدم، Monday, February 20th, 2017

نو- اصلاح طلبی؛ پروژه تمام عیار “حذف”

مطالعات فرهنگی در باب ایدئولوژی نو- اصلاح طلبی در استان بوشهر

اسماعیل حسام مقدم

نویسنده در یادداشت “نو- اصلاح طلبی؛ زنده باد ایدئولوژی”!! که آبان ماه سال جاری در آوای هامون منتشر نمود، اینگونه آن یادداشت را به پایان برد: «رصد کردن عرصه عمومی و اصلاح طلبان در استان بوشهر در چند سال اخیر می تواند یک جریان بسیار خاص را بازنمایی کند و می شود در یک عبارت خلاصه نمود و آن اینکه؛ زنده باد ایدئولوژی!! و این جریان را می شود “نو- اصلاح طلبی” نامید. شعار این سالهای اصلاح طلبان استان بوشهر از هر گروهی و دسته ای که باشیم در همین عبارت خودنمایی می کند! آن سپهر اندیشگی که در فضای گفتمانی تنفس می کرد و کنش های ارتباطی و گفتگویی درخشانی به میراث می گذاشت، متأسفانه سالهاست که در احتضار است. پیشنهاد اکید نویسنده در این فضای ایدئولوژی زده شده اصلاح طلبی؛ گذار از قطبی شدن اندیشه ها و رویکردهاست و اینکه پیش از آنکه به سهم خواهی های مرسوم در نظامهای ایدئولوژیک ادامه دهیم، به بازاندیشی و بازنگری در مفاهیم و عملکردهای معنابخش اصلاح طلبی مان پردازیم.»

در فضای ایدئولوژی زده شده، نخستین رخدادی که شکل می گیرد؛ دسته بندی و قطبی سازی فضای حضور و حتی غیاب افراد و گروه هاست. فرآیند حذف کردن “دیگری” آغاز می شود: از پاک کردن اسم ها شروع می شود تا لاک گرفتن رسم ها و در نهایت حذف کردن هویت ها، انسان ها و گروه ها.

به زعم نویسنده آنچه که در فضای امروز نو- اصلاح طلبی استان بوشهر در حال رخ دادن است؛ در اغلب موارد پروژه تمام عیار “حذف” است. حذف هرآن کسی که در ساختار ایدئولوژیک این نوع تفکر قرار نگیرد و یا اندک جنبشی برای مقاومت داشته باشد. از همین رو نیز هست که زبان ستیز، عصبیت و استهزا در میان اصلاح طلبان رونق گرفته است.

چه آنکه به زعم محمد مختاری: “زبان ستیز، خواه ناخواه زبان تامل نیست، بلکه زبانی است عصبی، کم حوصله، هیجانی، شدید و برنده که باید هرچه سریعتر تاثیر بگذارد، اما زبانی که در پی برخورد با بنیادها و مبناهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و... از جمله مبناهای خویشتن باشد، به مختصات دیگری نیازمند است. تمهیدات نحوی و آوایی و تصویری دیگری می طلبد.” (محمد مختاری، کتاب چشم مرکب، ص ۲۹)

زبان ستیز در پی حذف نام و نشان ها است؛ اگر اندکی در میان واژه های مجازی گروه های واتس اپ و تلگرام و... که به عنوان مهمترین عرصه کنشگری سیاسی!! اصلاح طلبان استان بوشهر است مذاقه کنیم،

چیزی جز همین زبان ستیز قابل فهم نخواهد بود.

این رخدادی ست که در این چند سال اخیر با بازی نخ نما شده موافقان / مخالفان استاندار بوشهر کلید زده شد. آیا گفتمان اصلاح طلبی به معنای گرفتار شدن در این قطبی شدن ها و حذف کردن ها بود؟ این آیا خاستگاه کنشهای اصلاح طلبانه ای بود که از همان ابتدای پیدایش دولت سیدمحمد خاتمی، فضایی از امید و رهایی را نوید می داد؟

به زعم نویسنده این چیزی که امروزه در استان بوشهر درحال شکل گیری است و زمانی هم از شکل گیری آن گذشته است، چیزی جز خلق و آفرینش نو- اصلاح طلبی نیست؛ چیزی که با خودش پروژه تمام عیار حذف را بر ساخته و دست به حذف همه چیز و همه کس می زند.

تنفس در فضا و اتمسفر نو- اصلاح طلبی یعنی فراموش کردن همه آن مفاهیمی همچون آزادی بیان، عدالت، حقوق بشر، گفت و گوی فرهنگی، بازنگری انتقادی و...

آیا مسائلی مانند فقر و تبعیض و فساد در جامعه امروز ایران، ارزش این را نداشت که دست به عملی زده شود و تحلیلی ارائه شود؟ به راستی ما با آرمان های اصلاح طلبی مان چه کرده ایم؟!

مساله معیشت کارگران در سالهای اخیر تبدیل به تروما و عارضه ای ملی شده، رکود در جامعه بی داد می کند و تبعیض های اجتماعی فراگیرتر شده، چه تفسیر عمیق سیاسی و یا اقتصادی بر این وضعیت ارائه شد؟ با آرمانهای این انقلاب که انسانهای شریفی در آن هزینه شدند چه کردیم؟!

این ها همگی همان ایده ها و آرمان های گفتمان اصلاح طلبی بود که سالهاست امید را در دل نومیدان زنده نگه داشته، ما با آنها و امیدهایشان چه کردیم؟!

هانا آرنه؛ فیلسوف سیاسی در قرن بیستم بین سه واژه (که معنای همه آنها کنشگری می تواند باشد) تمایز بسیار عمیقی ایجاد می کند؛ زحمت، کار و عمل.

زحمت؛ کنشی ست که از سر عادت و برای نیازهای اولیه و ابتدایی رخ می دهد و معنایی که دلالت بر آفرینش چشم اندازهای جدید انسانی باشد، نمی دهد. عاری از هرگونه مقاومت و اندیشه است.

کار؛ کنشی ست که معطوف به عقلانیت ابزاری است و توانایی ایجاد ارتباط و خلق دنیای گفتمان محور را ندارد. عاری از هرگونه رخدادی هست که بتوان در آن کنشی بازاندیشانه یافت.

عمل؛ همان کنشی بود که به زعم هانا آرنه از پوسته محدودیت ها به بیرون می جهد و چشم انداز جدیدی را بر جهان و انسان می گشاید. عمل می تواند همان نقطه ای باشد که رخداد به زعم آلن بدیو شکل می گیرد و یا همان جایی باشد که به زعم فرانتس کافکا از صف مردگان به بیرون جهید.

آنچه که آرنه از زحمت و کار می گوید، به زعم نویسنده نشانه هایی از کنشگری و فعالیت کسانی هست که دچار نو- اصلاح طلبی شده اند و در چند سال اخیر در فضای اصلاحات و با تابلوی اصلاح طلبی دم زده اند.

این کنش هایی که به نام نو- اصلاح طلبی در حال بر ساخته شدن هست، نخستین چیزی را که از هم می پاشاند؛ ارتباط و تعامل است. کنشگران را از کنش ارتباطی و زیست-جهان به برهوتی پرتاب می کند که در آن خودشیفتگی، خودرایی، جزمیت، تعصب، دریده گویی، سست کوشی، تقلیل گرایی و... حکمرانی می کند. و این دنیای شر است! این ابتذال شر است! دقیقاً همان چیزهایی که عمل اصلاح طلبانه از آن اجتناب ورزید و آرمان های یک انقلاب بزرگ را احیا کرد؛ مقاومت در برابر ابتذال شر.

هانا آرنه معتقد است که “شر بنیادی” هنگامی پدید می آید که از گفت و گو با خویشان خویش ناتوان باشیم. آن چه که به معنای واقعی کلمه در تالارهای گفت و گو واتس اپ و تلگرام در این چند سال قابل مشاهده بود؛

چیزی جز همین امتناع و ناتوانی گفت وگو با خویشتن نبوده است. با خود و آرمان های اصلاح طلبی مان چه کردیم؟!

کنش اصلاح طلبی تبدیل به زحمت و کار شده است، به اصلاح طلبی عادت کرده ایم؛ مبدل به چیزی قالب بندی شده و بروکراتیک شده که تابلویی از آن به یادگار مانده، کدام عمل اصلاح طلبانه ای را می شود مثال زد؟!

خیل بی خانمان ها را باید به یاد می آورد که در این روزهای بارانی استان بوشهر به دنبال سرپناهی سرگردان شده اند و هیچ اصلاح طلبی نیست که تحلیل هایش باعث بازنگری انتقادی در سیاستها و برنامه ریزی ها باشد.

کارگری که در همین چند روز اخیر در آتش سوخت تا مسابقات فوتبال ساحلی بوشهر به موقع افتتاح شود، را چه کسی شناخت و یا کدام یک از این زحمتکشان نو- اصلاح طلبی خم به ابرو آورد و درباره سیاست های کار و اشتغال چیزی گفت و یا تحلیلی ارائه داد؟!

آرمان ها و ایده های نخست اصلاح طلبی در پروژه ای تمام عیار درحال حذف شدن است. این پایان محتوم راهی هست که در این چند سال، همه ما را مشغول خودش کرده است. نو- اصلاح طلبی از هرگونه بازنگری انتقادی تن می زند و گفت وگوها را مبدل به چیزهایی می کند که اغلب "بدل" گفت وگو است. این بدل در اغلب اوقات همه چیز را حذف می کند و یا می بلعد.

This entry was posted on Monday, February 20th, 2017 at 3:15 pm and is filed under [مقاله و یادداشت](#)

You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.